



دلیل هلاکت امت‌ها

پیامبر اکرم (ص):
إِنَّمَا أَهْلَكَ الذِّينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَوَّقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكُوهُ وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيَّ نِسَبَةَ الْخُدَى؛ آنچه امت‌های پیش از شما را هلاک و نابود کرد، این بود که هر فرد سرشناسی در میانشان دزدی می‌کرد، او را راهی می‌ساختند، ولی اگر فرد ناتوان و ضعیفی دزدی می‌کرد، حد را بر او جاری و مجازاتش می‌کردند.

منبع: نهج الفصاحه، حدیث ۹۴۳



بهترین عمل در ساعات پایانی عمر

شخصی با حال آشفته به حضور حضرت علی (ع) رسید و عرض کرد: «احساس می‌کنم تا ساعتی دیگر خواهم مرد.» حضرت فرمود: «مرگ بیمی ندارد، همه می‌میرند.» عرض کرد: «در این ساعت چه کاری کنم؟» فرمود: «تحصیل علم کن!»

منبع: کتاب مردان علم در میدان عمل، صفحه ۶۹



اسراف در اتلاف عمر

آیت‌الله سید عبدالله فاطمی نیا (ره):

ما در اتلاف عمر خویش، خیلی اسراف می‌کنیم، اگر بخواهیم جنس کم‌ارزشی را بخریم، دقت می‌کنیم و چانه می‌زنیم، اما در مورد از دست دادن عمر خویش و دیگران، هیچ دقت و ملاحظه‌ای نداریم. دنیا و شسب و روز برای ما توقف نمی‌کند؛ به قول یکی از اساتید: بعضی آنها جوان بمانند! خدا کند قدر اوقات را بدانیم و بفهمیم بسیار سریع در حال گذر است!

منبع: کتاب نکته‌ها از گفته‌ها، دفتر دوم، صفحه ۲۶۴ و ۲۶۴ (با تلخیص)



مؤدب باشید تا جامعه اصلاح شود

آیت‌الله علی سعادت پرور (ره):

ای عزیزان! کودکان خود را مؤدب بار بیاورید تا در بزرگی وظایف ادب را نسبت به هر شخص و امری مراعات نمایند. البته هر مرحله اولش این است که خودتان مؤدب باشید تا آنها از شما عملی درس بگیرند. بنده می‌گویم اگر در زندگی، بشر مؤدب به آداب و غیره باشد جامعه اصلاح خواهد شد، اما شرطش این است که ثلث اجتماع این عمل را انجام دهند. کم‌کم دامناش وسیع می‌شود. البته با صبر بسیار.

منبع: کتاب پندنامه سعادت، صفحه ۴۵ و ۴۶



تبعات و عقوبات دنیوی و اخروی غیبت در کلام آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی (ره)

«غیبت»

مانع قبولی اعمال انسان تا ۴۰ روز

تنظیم و تلخیص: محمدصادق عبداللهی

«غیبت» از اعمالی است که هم از نظر عقلی قبیح و هم از نظر شرعی حرام و گناه کبیره است؛ ردیله‌ای که از ردائیل نفسانی درون انسان نشئت می‌گیرد و چه بسا انسان در مواردی از ریشه‌های آن غافل باشد و در دام این کبیره گرفتار شود. از این‌رو تلاش برای شناخت چیستی غیبت، تبعات آن، راه‌های ترک و مقابله با آن اهمیتی دوچندان برای مؤمنان و جامعه اسلامی دارد. از جمله کتاب‌هایی که به دقت، اما روان و کاربردی به این مسئله می‌پردازد کتاب «غیبت» از مجموعه اخلاق ربانی (دوره ۹ جلدی آفات زبان) است که براساس سلسله جلسات اخلاقی آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی (ره) تنظیم شده است. آنچه پیش‌رو دارید گزارشی اخذ شده از صفحات ۱۶۸ تا ۱۳۷ این کتاب است که به آثار دنیوی و اخروی غیبت می‌پردازد و نشان می‌دهد چرا تا این حد «غیبت» مورد مذمت دین است.

آثار بسیاری بر غیبت متأثر است که موجب می‌شود این عمل بسیار قبیح و در زمره گناهان کبیره قرار گیرد. به اجمال می‌توان تبعات غیبت را به دو دسته تبعات دنیوی و تبعات اخروی تقسیم کرد که در ادامه توضیحاتی در خصوص هر یک خواهد آمد.

تبعات دنیوی غیبت

از نظر دنیوی غیبت دارای تبعاتی است که نظم اجتماعی را تخریب می‌کند و آثار جبران‌ناپذیری را بر جای می‌گذارد:

۱) **فاش شدن نقایص انسان در دنیا:** اگر انسان آبروی کسی را با غیبت کردن در معرض خطر قرار دهد، خداوند آبروی او را در معرض خطر قرار می‌دهد و اگر انسان بخواهد با غیبت کردن کسی را رسوا کند خداوند او را در همین دنیا رسوا می‌کند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «لَا تَغْتَبْ فَتُغْتَبَ...!» غیبت نکن که از تو غیبت می‌شود، یعنی اگر تو از کسی غیبت کنی، غیبت تو را خواهد کرد. تو اگر عیب و نقص دیگری را برملا کنی، عیب و نقصت را برملا می‌کنند. تو هستی که از عیوب و نقایصت به سبب سروش برداشتن از عیوب و نقایص دیگران، سروش برمی‌داری.

۲) **ایجاد دشمنی:** غیبت دشمنی‌آور است. انسان اگر نقایص برادر مؤمنش را پشت سرش بازگو کند، بین او و دوستش دشمنی ایجاد می‌کند. در روایات دارد که دوگونه دشمنی است؛ هم دشمنی بین برادران ایمانی و هم دشمنی در ارتباط با خداوند مطرح است، چون شخص غیبت کننده خود را مورد غضب خداوند قرار داده است، هم خشم خدای بدهنده را به سوی خود جلب کرده است و هم خشم الهی را. امام علی (ع) می‌فرماید: «از غیبت بپزیر چون غیبت موجب می‌شود که مورد خشم، دشمنی و غضب خدا و همچنین مردم قرار بگیری.»

۳) **سلب اعتماد:** یکی دیگر از تبعات دنیوی زشت غیبت این است که سلب اعتماد می‌کند. اگر انسان عیب و نقص برادر مؤمنش را در پشت سرش بگوید، اعتماد موجودین را نسبت به آن برادر غایبش سلب کرده است. وقتی نقایص او را گفت، حتی اعتماد موجودین را نسبت به خودش سلب کرده است و دیگر به او هم اعتماد نمی‌کنند. می‌گویند آدم منظمی نیست و رسوا می‌کند. در حالی که جامعه‌ای با ارزش است و می‌تواند حرکت مادی و معنوی داشته باشد که در آن، حس اعتماد حاکم باشد. این کار انسجام جامعه را به هم می‌ریزد.

۴) **ایجاد حس بدبینی:** یکی از آثار زشت غیبت این است که وحدتی که باید حاکم باشد از بین می‌رود. سلب اعتماد، یگانگی را در جامعه از بین می‌برد. همه از همدیگر باک دارند و همه به همدیگر بدبین می‌شوند. حس اعتماد می‌رود و به جای حس بدبینی می‌آید. یگانگی می‌رود و تفرقه می‌آید.

۵) **تبلیغ زشتی‌ها و قبح‌شکنی:** با نقل کردن نقص و عیب برادر مؤمن در پشت سرش نوعی تبلیغ زشتی‌ها می‌شود. از سویی بازگو کردن عمل زشت قبیح عمل زشت را از بین می‌برد. یک وقت انسان به دشمن چنین می‌آید که این کار انجام نمی‌شود یا امثال این افراد چنین کارهایی نمی‌کنند، اما باز بازگو کردن مکرر این عمل و برده‌مداری از انجام شدن کاری، آن قبیحی که ابتدا و قبل از این غیبت کردن وجود داشت، در ذهن و درون انسان‌ها می‌شکند، زیرا شنونده‌های غیبت مثلاً با خودشان می‌گویند پس چنین کارهایی انجام می‌شود یا اینکه فلانی هم چنین کاری می‌کند؛ از سویی اگر شنونده غیبت هیچ عکس‌العملی در برابر غیبت نشان ندهد، یا عکس‌العملش موافق باشد، یعنی طبع خواسته غیبت‌کننده باشد، موجب جرئت دادن به غیبت‌کننده و گسترش فعل غیبت خواهد شد.

تبعات معنوی غیبت کردن در دنیا

از حیث معنوی نیز غیبت تبعاتی دارد که به مراتب از تبعات دنیوی سنگین‌تر است و موجب ضربه به فرد غیبت‌کننده و دین او می‌شود. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «غیبت اثرش در دین شخص مسلمان سریع‌تر از آن بیماری است که اگر به بدن برسد، بدن را می‌خورد و نابود می‌کند.» این بیماری، خاص و در اندرون انسان است؛ یعنی یک بیماری است که اگر به سراغ دین انسان بیاید، دین انسان را از بین می‌برد. کنایه از این

است که سریع روی دین اثر می‌گذارد. یکی از دلایل آن که غیبت مانع از قبولی اعمال صالح انسان تا ۴۰ روز می‌شود، در روایت این گونه دارد: نمازهایی که انسان می‌خواند و روزهایی که می‌گیرد تا ۴۰ روز پذیرفته نمی‌شود، نه اینکه اعمال انسان باطل است. این دو مفهوم متفاوت است. تعبیر روایات این است: «بطل صلاه و صوم». منظور روایت بطلان فقهی نیست، یعنی در روز قیامت مواخذة نمی‌کنند که چرا نماز نخواندی؟ اما نماز برای او فایده‌ای ندارد. این حرف دیگری است که آن اثری که انسان باید از اعمال صالح بگیرد، نمی‌گیرد. پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: «مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يُقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَ لَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً إِلَّا أَنْ يُغْفَرَ لَهُ صَاحِبُهُ» اگر کسی غیبت بکند، خداوند نماز و روزه او را تا ۴۰ شبانه‌روزی نپذیرد تا اینکه آن شخصی را که از او غیبت کرده است از او بگذرد.

حتی در مورد استسجاب دعا هم همین مسئله را در روایات داریم؛ همان‌طور که داریم یکی از آثار حرام‌خواری این است که اگر کسی مال حرامی را بخورد تا ۴۰ روز دعایش مستجاب نمی‌شود. حتی در یک روایت دارد غیبت، فرد غیبت‌کننده را «نقص وضو» می‌کند، یعنی طهارت‌ش از بین می‌رود. معنایش این نیست که وضویش باطل می‌شود، بلکه نورانیتی که انسان از ناحیه وضو به دست می‌آورد با غیبت از بین می‌رود. در مورد تک‌تک اعمال صالح چنین روایاتی آمده است که غیبت اثر آنها را از بین می‌برد و انسان به‌رای از حسنااتش نمی‌برد. حسناات از غیبت‌کننده قبول نمی‌شود و غیبت تا ۴۰ روز از آثار حسناات جلوگیری می‌کند، مگر اینکه صاحب غیبت او را بیامرزد. بنابراین غیبت نوابت باطنی را از بین می‌برد و تاریکی می‌آورد.

تبعات غیبت کردن در آخرت

از نظر آخرت نیز اگر انسان توبه نکند و رضایت غیبت شونده را به دست نیاورد، آن گونه که در اسلام روایات دارد؛ حسنااتش به نام عمل کسی که از او غیبت کرده است، منتقل می‌شود. در روایتی از رسول اکرم (ص) آمده است: در روز قیامت شخصی را در پیشگاه عدل الهی می‌آورند و نامه عملش را به دستش می‌دهند. او می‌بیند از کارهای خوبی که انجام داده است خبری نیست، کارهای نیکش را نمی‌بیند. او به خداوند می‌گوید: اشتباه شده است؛ خدایا این نامه عمل من نیست! اطاعت من در آن نیست؛ یا او گفته می‌شود پروردگار تو مؤدب‌الله هیچگاه فراموش نمی‌کند عمل تو به دلیل غیبت کردن از مردم از بین رفته است. سپس شخص دیگری را می‌آورند و نامه عملش را به او می‌دهند؛ وقتی آن را نگاه می‌کند در آن حسناات بسیاری می‌بیند. به خداوند می‌گوید: این نامه عمل چه کسی است؟! من این اطاعت را انجام ندادم؛ یا به او گفته می‌شود فلانی غیبت تو را کرد و حسنااتش به تو داده شد.

بنابراین اگر انسان موفق به توبه نشود، غیبت این چنین در روز قیامت ضربه می‌زند. در باب همین مسئله توبه نیز در روایات داریم که اگر کسی که از برادر مؤمن یا خواهر مؤمنه‌اش غیبت کرده است، موفق به توبه بشود، آخرین کسی است که وارد بهشت می‌شود؛ یعنی اگر توبه نکند، استسجالل هم بکند و غیبت‌شونده هم بگوید، حالات کردم؛ یا با وجود این، آخرین کسی است که وارد بهشت می‌شود. اگر هم موفق به توبه نشود، اولین کسی است که وارد جهنم می‌شود!

مهم‌ترین عقوبات غیبت کردن

اگر بخواهیم همه مواردی را که در روایات در مورد تبعات معنوی غیبت آمده است، خلاصه کنیم، می‌توان گفت که «غیبت به آن رشته دوستی که مخلوق با خالق دارد، ضربه می‌زند و انسان را از ولایت‌الله خارج می‌کند و به ولایت شیطان داخل می‌کند که همه اینها از عقوبات آن است.» اثر غیبت این است؛ یعنی انسان آن چنان سقوط می‌کند که از آن اوج و عظمتی که باید در ارتباط با بی‌نیهایت داشته باشد در حقیقت ذلت قرار می‌گیرد. ایازرش را دارد؛ اگر هیچ اثری از آثار زشت بر غیبت مترتب نبود و فقط این بود که انسان از خدا دور می‌شد، یعنی قرب و وصل، مبدل به هجران می‌شد و آن هم چه هجران و طردی! همین کافی بود که انسان چشم خود را باز کند.



اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِرَاعَنَا فِرَاعَ سَلَامَةٍ

اولیا و علما از راهکارهای اعتلای نمازهای یومیه را موختن اذکار و ادعیه جدید برای ذکر قنوت دانسته‌اند. در این راستا فرازهایی از دعاهای واصله از ائمه معصومین (علیهم‌السلام) می‌تواند طعم شیرین عبادت را به نمازگزار بچشاند. در این ستون به صورت هفتگی ادعیه‌ای به اشتراک گذاشته خواهد شد.

در فرازی از بند دوم دعای یازدهم صحیفه سجاده به می‌خوانیم: اللَّهُمَّ أَفَانِ قَدَّرْتَ لَنَا فِرَاعًا مِّنْ شُغْلِ فَاخْغَلْهُ فِرَاعًا سَلَامَةً لَا تُكْرَفُ فِيهِ تَبِعَةٌ، وَ لَا تَلْخَعُنَا فِيهِ سَامَةٌ؛ اگر برای ما فراغتی مقدر کرده‌ای، آن را فراغتی بی‌گزند و سالم قرار ده که وصال نیاورد و دل‌هایمان را نتمریند.



ذکر تو به هر زبان که گویند خوش است

آیت‌الله عبدالقائم شوشتری (ره):

عرفای حقه شیعه ذکر خدا را از جهتی به دو قسم تقسیم می‌کنند: ۱- ذکر خفی و ۲- ذکر جلی. از جهت دیگر به چهار قسم تقسیم می‌کنند: ۱) ذکر لسانی، ۲) ذکر نفسی، ۳) ذکر خیالی و ۴) ذکر قلبی. از همه مهم‌تر ذکر قلبی است که دل دائم باید به یاد خدا باشد، زیرا در اثر مداومت آدمی رنگ و بوی خود را از دست می‌دهد و رنگ و بوی محبوب را در خود می‌یابد. نکته قابل ذکر این است که ذکر خدا جو را جوهر است.

مرحوم علامه طباطبایی، صاحب تفسیر المیزان می‌فرمودند: ذکر خدا عرض عریضی دارد. به هر شکلی که انسان به یاد خدا باشد نیکو است. گاهی با تلاوت قرآن، گاهی با قرائت نماز واجب یا مستحبی، گاهی با دعا و مناجات، گاهی با اشعار عارفانه و گاهی در ضمن قصه‌های عاشقانه عرفانی. چه به زبان عربی و چه به زبان مادری، همه ذکر خدایند: «ذکر تو به هر زبان که گویند خوش است.»

سالک خدا جو خلوت با خدا را نباید از دست بدهد و در شرایط مساعد روحی با تلاوت مناجات‌های مأثوره از ائمه طاهرین (علیهم‌السلام) یا در حالاتی که روحیه گرایش به زمزمه اشعار عرفانی و مناجات فارسی دارد با خواندن آنها لحنظاتی را با رب‌العالمین خلوت کند. «جز آن ساعت که با یاد تو بگذشت / مرا در زندگانی حاصلی نیست.»

منبع: کتاب غم عشق (کام‌های نخستین در سیر و سلوک)، صفحه ۲۱۰



حوصله پدر بچه را با شخصیت می‌کند

آیت‌الله محی‌الدین حائری شیرازی (ره):

بسیاری از پدران، بچه‌ها را بهانه‌ای می‌دانند برای اینکه بنشینند برای‌شان حرف بزنند و می‌گویند: «می‌خواهم نصیحت کنم»، خب؛ پدر! حرفی که به کسی یا فرزندت می‌زنی، دانه است و فکر او زمین. ببین در این زمین چقدر بذر می‌توان باسید؟ اگر در یک متر زمین یک کیلو گندم باسیدی، همه دانه‌ها سبز نمی‌شوند؛ تازه اگر هم در بیابند، همدیگر را خفه می‌کنند. موعظه زیاد، باعث می‌شود که حرف‌ها همدیگر را له کنند. همدیگر را بیوشانند.

پدر اگر خوش اخلاق، با تحمل و با حوصله باشد، بچه با شخصیت می‌شود. حوصله پدر حوضی است که بچه در آن رشد می‌کند. بچه مثل ماهی است و حوصله پدر مثل حوض. آن پدری که حوصله‌اش زیاد است، مثل دریاچه است و فرزندش تا حد ماهی‌های دریاچه رشد می‌کند و بزرگ می‌شود. پدری که از این هم باحوصله‌تر است، مثل دریاست و فرزندش تا حد ماهی‌های دریا و به اندازه ینگ قدرت و جرئت پیدا می‌کند. حسین بن علی (ع) فرزند دریاست و در دریای حوصله پدر و جدش رشد کرده است. از این‌رو، یک شخصیت زنده و بزرگ است.

منبع: کتاب تمثیلات اخلاقی - تربیتی، جلد دوم، صفحه ۱۵۶



برای خدا یا برای حال دل‌مان؟

آیت‌الله میرزا جواد آقاملکی تبریزی (ره):

آیا هیچ شده‌ است که خود را در صدق عبودیت و بندگی امتحان کنی تا بدانی آیا پنده خدا میدی یا نه؟ فکر کنی که زن و فرزند خود را به قصد زیارت کربلا مهابی حرکت سفر نموده و با زحمات فراوان و هز زینه زیاد تا لب مرز برسید، ولی در آنجا می‌باشند حرامی، مانند کشف حجاب یا نظر اجنبی به همسر و دختران همراه را مر تکب شوید تا مقدمه خروج از گمرک و گرفتن گذرنامه و مجوز عبور از مرز باشد، در این صورت خود را چگونه می‌یافتید؟ آیا با خود می‌گفتید: «این یک حرام عیب ندارد، ما که این همه زحمت کشیده‌ و هز زینه نموده‌ ایم تا به اینجا برسیده‌ ایم، بگذار این حرام انجام بگیرد و عبور کنیم.» یا با کمال شجاعت، مردانگی و متانت با آن همه رنج و دوری راه و تحمل مخارج و هز زینه سفر، با عائله خود برمی‌گشتید؟ زیرا کسی که فرموده: زیارت مستحب است و همان کسی که من به قصد قرب و به انگیزه امر او تا به اینجا آمده و متحمل این همه خسارت شده‌ ام، را تکاب حرام را جایز نمی‌داند و به سبب اطاعت از نپی خداوند متعال باید دوباره بدون هیچ‌گونه تگرائی و نازاحتی بر گردم، چراکه من بنده‌ ام، من من خواستم زیارت حضرت سیدالشهدا (ع) را برای رضای خدا انجام دهم، نه برای خواهش دل خود. اگر برای خداست، خدا می‌فرماید: کار حرام را انجام نده و با انجام گناه زیارت مرو. بنابراین باید امتثال نمایم و برای او به زیارت نروم. بنابراین اگر این طور نکرد و برنگشت، یقیناً از نپی خدایم است، زیرا که خداوند سبحان می‌فرماید: «فَلَا وَرَيْكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُخَكِّمُوكَ فِيمَا سَخَّرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (سوره نسا، آیه ۶۵) پس به پروردگارت سوگند، ایمان نمی‌آورند، مگر اینکه در اختلافی که میان آنها پیش آمده تو را حاکم کنند، سپس از آنچه قضاوت نمودی، در دل خود هیچ دلتنگی احساس نکنند و چنان که باید خود را تسلیم آ خدا و حکم شما آ کنند. بنده بالا یمان باید تسلیم فرمان و حکم الهی باشد، نه تابع خواسته‌های خود و مطیع نفس و شیطان.

منبع: به نقل از آیت‌الله بهجت (ره) در «کتاب رحمت و اسعه»، صفحه ۲۳۳

